

**گروه سینما و تلویزیون**–تجربهٔ شهرت برای بسیاری از آدم‌ها تجربهٔ آسانی نیست؛

به‌خصوص اگر این تجربه در سنین کودکی و جوانی اتفاق بیفتد، تأثیر مهم و عمیقی در تجربه زیسته‌تان ردهٔ سنی خواهد داشت؛ در حالت وضعیت اقتصادی مناسب این کودکان صرفاً با تنوع مواجهه دیگری در حضور در مکان‌های اجتماعی و بازخوردهای مردم و ... مواجه می‌شوند.اما در شرایط اقتصادی ناپه‌سامان و جایگاه ضعیف، تجربه حضور در زندگی افراق آیزر ستاره‌های سینمایی که به‌ویژه در جشنواره‌ها و فستیوال‌ها با تامل‌های خاصی برای تمایز این طریقه همراه است، برای این کودکان و نوجوانان این موضوع تجربه‌ای احتمالاً ناخوشایند در درازمدت خواهد بود.

اساسا کار با کودکان مانند شمشیر دوله‌ای است که همچنان که رویی از آن بردگی است (که در اینجا می‌تواند موفقیت فیلم و ستاره شدن بازیگران و ... باشد) اما روی دیگر آن می‌تواند سرخوردگی و مشکلات فردای این ستاره‌های امروز یعنی بازیگران کودک و نوجوان باشد. موضوعی که رگه‌هایی از اخلاق رادل خود دارد و شاید در هیچ دوره‌ای به اندازه امروز به دلیل مقتضیات زندگی و پیشرفت های اطلاعاتی در ارتباطی قابلیت طرح و موضوعیت نداشته است.

**اخلاق، سینما و کودکان**

بر این اساسا کار کردن با کودکان و بازی گرفتن از آنان یکی از سخت‌ترین مواجهه‌هایی است که کارگردانان و سینماگران با آن مواجهند؛ این موضوع وقتی سخت تر می‌شود که در سال‌های اخیر بحث حقوق کودکان بیش از پیش در غرب برجسته شده و در مواردی چون سینما به شدت زیرزمین بر قرار دارد؛ بحث استفاده از کودکان در صنعت سینما و عدم قدرت آنان برای تصمیم گیری و احتمال اجبار آنان از سوی والدین از جمله مباحثی است که در این میان در محوریت بحث‌های اخلاقی قرار گرفته است، از سوی دیگر حقوق و موازینی برای این موضوع تدوین گردیده که سینماگران در اروپا و آمریکا ملزم به رعایت آن هستند.

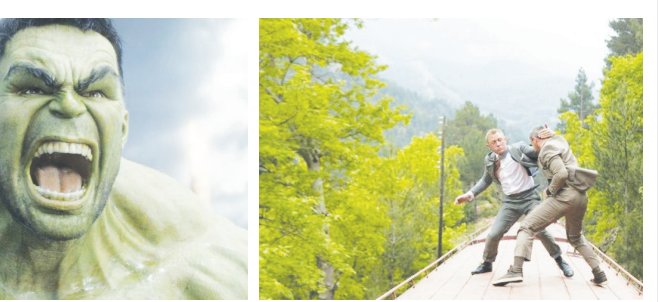
شهاب حسینی که در فیلم آن شب (کسوروش آهاری، ۱۳۹۸) پسرش را به عنوان یکی از بازیگران در این فیلم همراه خود داشت، در نشست مطبوعاتی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر ضمن بیان سختی‌های کار با اشاره به موازین فیلمسازی در ایالات متحده (محل ساخت فیلم آن شب) بیان کرد که به رغم این که خودش به عنوان والد فرزندش در ساخت فیلم حضور داشته اما پسرش بیش از دو ساعت در روز اجازه بازی نداشته است.

این قوانین در حقیقت در حمایت از کودکان به دلیل سوق دادن آنان به نوعی بازیگری از شکل کار کودکان (در شیوه مدرن) مورد تمهید قرار گرفته است.به خصوص که برخی از والدین از طریق کود کشان‌ها به کسب درآمد می‌پردازند و با نوعی بیگاری کشیدن از آنان به دنبال کسب عواید مالی هستند؛ و چنانچه بیان شد این شیوه

**گروه سینما و تلویزیون**–در ساخت فیلم‌های سینمایی، همیشه نکات و حقایقی وجود دارند که برای مخاطبان جذاب هستند.

در مراحل ساخت فیلم‌ها همیشه اتفاقاتی می‌افتد که ندانستن آن برای مخاطبان جذاب است. آیا می‌دانستید که تولید فیلم سینمایی «جاذبه هزینه بیشتری در مقایسه با سفر واقعی کشور هند به مریخ داشته است؟! و یا اینکه کشور نیجریه حتی از کشور آمریکا هم در طول سال بیشتر فیلم تولید می‌کند؟! در اینجا حقایق جالبی در مورد فیلم‌ها و سینما خواهید دید که شاید آثار مورد علاقه شما نیز در بین آن‌ها باشد.

**هابیت**



**گروه سینما و تلویزیون**–تصویربرداری فصل سوم سریال «نون‌خ» به کارگردانی سعید آقاخانی در تهران آغاز شد.

به دنبال استقبال فوق‌العاده از فصل اول و دوم سریال «نون‌خ» به پیشنهاد شبکه یک و موافقت سازندگان، ساخت فصل سوم این سریال آغاز شد. پیش‌تولید این سریال از اوایل تابستان امسال آغاز شده و تصویربرداری آن از اواسط مهر ماه و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در تهران آغاز شده است. علاوه بر بازیگران دو فصل پیش، اکبر عبدی به عنوان بازیگر جدید به جمع بازیگران اضافه شده است و علی صادقی نیز که در فصل دوم حضور نداشت، در این فصل حضور دارد.

سعید آقاخانی، شقایق دهقان، میروس میمنت، سیدعلی صالحی، هدیه بازوند، ندا قاسمی، ماشاءالله وروایی، کاظم نوربخش، نسرن مرادی، میروس سپهری، صهبا شرافتی، میروس حسینی‌فر، یوسف کریمی، سیدحسین موسوی، آتنا مهباری، علی اخوان، شقایق فتاحی و نارین ایوبی بازیگران این سریال هستند.

فصل سوم سریال نون‌خ در ۱۵ قسمت برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ از شبکه اول سیما ساخته می‌شود.

عوامل این سریال عبارت‌ند از:

کارگردان: سعید آقاخانی، تهیه‌کننده: مهدی فرجی، نویسنده: امیر وفایی، مدیر تولید: منصور غففری، دستیار یک کارگردان: محمد غفاری، مجری طرح: علی کریمی، مدیر برنامه‌ریزی: سانا نصیر، مدیر تصویربرداری: سجاد حیدری، طرح کریم: بابک اسکندری، صدابردار: اکبر عاشق حسین، تدوینگر: امیرشهبان صادقی، آهنگساز: صادق آرمند، منشی صحنه: سارا عبدللیلی، طرح صحنه: حسین عالی‌نژاد، طرح لباس: پگاه ترکی، مدیر روابط عمومی: علی زاهدسفر، عکاس: میثم محمدلی، جلوه‌های ویژه‌بصری: امین پهلوان‌زاده، جلوه‌های ویژه میدانی: رسول کهنسال، مدیران تدارکات: محمد محمدنیا و مسعود یوسفی.

رامی توان شکل دیگری از کار کودکان در نظر گرفت.

سویه دیگری این داستان تأثیرات روانی این موضوع بر کودکان است.این موضوع وقتی شدت می‌یابد که کودکی که در فضای بازیگری قرار می‌گیرد، تجربه حضور فضایی را پشت سر می‌گذارد که نه تنها در زندگی حقیقی آن را تجربه نکرده بلکه حتی ممکن است تا آخر عمر هم چنین موضوعی را تجربه نکند. بر این اساس یک تلخی بی پایان برایش باقی خواهد ماند.

به دلیل تجارب و مواردی از این دست است که برخی از سینماگران در سالهای اخیر تأکید کرده‌اند که این موضوع با تمام موضوعات دیگر سینما متفاوت است و نیاز است تا فیلمساز حتی سپس از فیلم‌باخیر از وضعیت کودکان فیلمش باشد و نسبت به آنان و سرنوشتشان احساس مسئولیت کند؛ موضوعی که البته مشخص نیست تا چه اندازه قابلیت اجرا و عملی شدن داشته باشد.

**استعدادبی نظیر ستاره‌سازی**

بی‌شک یکی از چهره‌هایی که در ایران پیشگام کار جدی و حرفه‌ای سینمایی با کودکان و نوجوانان است رامی‌توان مجید مجیدی کارگردان صاحب‌نام ایرانی نامید؛ کسی که از شروع فعالیت حرفه‌ای در مقام کارگردان سینما از ابتدا نشان داد که حوزهٔ علاقه و تخصص مثال زدنی‌اش در کدام زمینه است و فیلم‌های جاودان و بی‌شمار جوایز داخلی و خارجی گواهی بر جایگاه حرفه‌ای این فیلمساز است.

مجیدی متخصص پیدا کردن و کار با کودکان در طی سال‌های فعالیتش به واسطهٔ قصه‌ها و چهره‌هایی که برای مخاطبان معرفی کرده‌ای هنر را بیش از پیش نشان داده است.

قدرت مجیدی در این راستا چنان برجسته است که حتی در مقطعی بهترین نام‌های حوزهٔ کاری خودش را هم پشت سر گذاشته است؛ چنانچه در سال ۲۰۰۸ به دعوت از دولت چین، فیلم کوتاهی به نام رنگ‌ها به پرواز در می‌آیند را برای تبلیغ المپیک ۲۰۰۸ پکن ساخت. دولت چین به منظور اجرای پروژه‌ای با نام پروژه تصویرسازی پکن، از پنج کارگردان شناخته شده همچون جوزپه تورناتوره از ایتالیا، مجید مجیدی از ایران، پائیس لوکت از فرانسه، داریل گوردیج از انگلستان، و اندرو وای کیوینگ از هنگ‌کنگ دعوت کرد تا به منظور تبلیغ بازی‌های پکن هر کدام یک فیلم کوتاه بسازند. در این میان فیلم مجیدی عنوان بهترین فیلم را از این پنج فیلم ساخته شده کسب کرد.

حتی زمانی پس از ساخت فیلم بچه‌های آسمان (۱۳۷۶) این فیلم از نظر منتقدان با دزد دوچرخه (ویتوریو سدیکا، ۱۹۴۸) شاهکاری از نورالیزم ایتالیا مقایسه شده و مورد تحسین منتقدان قرار گرفته است.

عضویوسترفرهنگستان هنر، جایزه‌بهترین فیلم از فستیوال بین‌المللی فیلم مونترال (۱۹۹۷) برای فیلم بچه‌های آسمان، جایزه بهترین فیلم از فستیوال فیلم مونترال (۱۹۹۹) برای فیلم رنگ (آلمان) برای فیلم بچه‌های آسمان، جوایز فیلم فجر (۱۳۸۰) برای فیلم باران، حضور فیلم بچه‌های آسمان در مراسم اسکار سال ۱۹۹۹، جایزه پلاک نقره از سی امین جشنواره فیلم جفونیسی (ایتالیا) برای فیلم رنگ خدا، جایزه قاره آمریکا برای بهترین فیلم از بیست و سومین جشنواره فیلم مونترال (کانادا) برای فیلم رنگ خدا، جایزه اول سیفژ از شانزدهمین جشنواره فیلم اولو (فنلاند) برای فیلم بچه‌های آسمان، جایزه بهترین فیلم از جشنواره فیلم لوکاس (آلمان) برای فیلم بچه‌های آسمان، جوایز

### سینما و تلویزیون

**به بهانهٔ درخشش کودکان ایرانی در سینمای جهان؛**

# از زیر زمینِ تهران تا روی آب‌ها در ونیز

■ **دختر افغانستانی که تا چندی پیش در مترو تهران دستفروشی می‌کرد، این روزها به ستاره‌ای سینمایی بدل شده که پس از سفر بر شهر آب‌ها و حضور در جشنواره فیلم ونیز، همه او را می‌شناسند.**



**شمیلا در این حضور کوتاه گفته بود: «من و امثال روح‌الله همه کودکانِ رادر خیابان دست‌فروشی کردیم، من تا همین یک سال پیش دست‌فروشی می‌کردیم، ممنونم از آقای مجیدی و سینما که رویاهای ما را به ما برگرداند.»**

کلیمای جهانی، تقدیرنامه منتقدان بین‌المللی، بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و جایزه ویژه از بیست و یکمین جشنواره فیلم مونترال (کانادا) برای فیلم بچه‌های آسمان، جوایز ویژه هیئت داوران کنفدراسیون هنر و تجربه و بهترین فیلمنامه از طرف مدرسه هورلند از چهاردهمین جشنواره فیلم تورین (ایتالیا) برای فیلم پدر، جایزه بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه سسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر و همچنین جایزه فانوس جادویی فتاد و هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز برای فیلم خورشید تنها بخشی از افتخارات ملی و بین‌المللی در کارنامه

فیلمسازی مجیدی است.

مجیدی در تمامی سال‌هایی که پس از دههٔ شصت (در این دهه بیشتر آثار مجیدی شامل بازیگری است) تکلیف خود را با سینما و قدرت خود را در این عرصه مطرح ساخت و هربار و پس از هر اثر توانایی‌های خویش را به رخ کشید؛ فیلم‌هایی که نه تنها در خارج از ایران درخشیدند بلکه در حافظهٔ سینمایی ماندگار شدند. انتخاب و استفاده از بیسن نابازیگران (و عمدتاً کودکان) یکی از وجوه میزبهٔ مجیدی با سایر سینماگران است؛ وجه میزهای که نیاز به ظرفیت‌های ذاتی و تجربی یک سینماگر در عرصه تولید فیلم دارد. این استعداد ناب و تجربهٔ منحصربه‌فرد مجیدی در آیدین حوزه‌باعت گردیده است تا هربار و در هر فیلم شاهد معرفی یک ستارهٔ جدید در آسمان فیلمسازی مجیدی باشیم که نه تنها باعث درخشش فردی یک کودک و نوجوان شده که یک فیلم را شاخص کرده و ماندگار می‌سازد.

البته یک انتقاد برجسته نیز در این حوزه و به ویژه پس از فیلم آوی (خورشید) به ایشان وارد است و آن این‌که تا چه اندازه پس از اتمام فیلم از سرنوشت ستاره‌های خودساخته‌اش با خیر است و تا چه اندازه پس از خاموش شدن چراغ‌ها و صدای دست‌زدن‌ها پس از فراموش شدن فیلم و اسامی آدم‌ها حواش به کودکانی که با فضای دیگری غیر از زندگی معمولی‌شان روبرو شده‌اند، هست؟

این موضوع به خصوص در مورد مجیدی شاید پررنگ‌تر از هر کارگردانی مطرح باشد چرا که وی عمدتاً سینمایی با نغمه‌مند را به تصویر می‌کشد که قهرمانانش از دل ضعیف‌ترین و محجورترین آدم‌ها انتخاب شده‌اند.

**دختری کوچک با آرزوهای بزرگ**

دختر افغانستانی که تا چندی پیش در مترو تهران دستفروشی می‌کرد، این روزها به ستاره‌ای سینمایی بدل شده است که پس از سفر بر شهر آب‌ها و حضور در جشنواره فیلم ونیز، همه او را می‌شناسند. موضوعی که باید دید تا کیجا ادامه می‌یابد و این شهرت یک شبه تا کیجا توان ارتقای زندگی و شرایط این دختر را دارد. و سینما که بیکار آنتی‌ثان که خودش گفت توانست رویاهایش را محقق سازد تا کی و کجای می‌تواند این راه روشن سازد؟

شمیلا شیرازدی یکی از نوجوانانی است که امروز و به واسطه فیلم موفق مجیدی اسمش بر سر زبان‌ها افتاده و خیلی‌ها او را می‌شناسند؛ دختری که به خصوص پس از حضور در دومین جشنوارهٔ معتبر جهان (جشنواره ونیز) شهرتی بسیار پیدا کرد و شناختش در فرش قرمز این جشنواره که به نیابت از روح‌الله زمانی (نوجوان نقش اصلی فیلم خورشید که به دلیل ابتلا به کرونا از سفر به ایتالیا بازماند)، بر آن حضور یافته بود، آفت‌در صفحات مجازی دیده و بسندسندیده شد که امروز بسیاری او را می‌شناسند.

شمیلا در این حضور کوتاه گفته بود: «من و امثال روح‌الله همه کودکانِ ما را در خیابان دستفروشی کردیم، من تا همین یک سال پیش

## اقتصاد کیش

روزنامه

دست‌فروشی می‌کردم، ممنونم از آقای مجیدی و سینما که رویاهای ما را به ما برگرداند.»

این جملهٔ سراسر احساس به خصوص وقتی که فیلمی ایرانی را مازوار دریافت دو جایزه کرده بود، خاطره خوشی را در ذهن ایرانیان حک کرد. اما نباید فراموش کرد که شمیلا به عنوان یک کودک افغان بیشتر در جامعهٔ ما یک دختر دستفروش بود که سختی‌ها و مرارت‌های متعددی را چشیده بود. چنانچه گفت: من در ایران به دنیا آمدم اما به دلیل افغانستانی بودن مشکلاتی را داشته‌ام؛ مثلاً زمانی که در مترو دستفروشی می‌کردم برخی به خاطر افغان بودن به ما توهین می‌کردند ولی برخی هم با ما خوب و مهربان بودند.

شمیلا در ادامه و با توضیح این که در حال حاضر در مدرسه هفتم درس می‌خواند و هنوز هم به همان مدرسه‌ای می‌رود که پیش از بازی در فیلم خورشید به آن می‌رفته است (شمیلا و برادرش ابوالفضل شیرزاد از مدرسه «صبح روش» که مخصوص کودکان کار هستند برای ابقای نقش در فیلم «خورشید» انتخاب شدند، تأکید کرد: این روزها خانه هستیم و درس می‌خوانیم «وقتی در این فیلم بازی کردم شرایط ما تغییر کرد و مهمترین تغییر در آن این بود که دیگر مجبور نبودیم دیگر بر سر کار برویم من و برادرم توانستیم که تمام وقتمان را برای درس خواندن بگذاریم».

وی در ادامه و با تأکید بر رویاهای جدیدش، خاطر نشان کرد: چون به بازیگری علاقه بسیار زیادی دارم صد در صد بعد از بازی در این فیلم، شرایط زندگی ام بهتر می‌شود.

شمیلا در پاسخ به این پرسش که برخواهد داشت و ونیز با او چگونه بوده و چه خاطره و تجربه‌ای از این سفر دارد، گفت: سفر خوبی بود که در آن با آقای مجیدی و عزتی خوش گذرانی‌مان دوبرابر شده بود، رفتیم ونیز را گزینیم.

«وقتی در خیابان‌ان راه می‌رفتم همه با ما عکس می‌گرفتند او را فیلمان تعریف می‌کردند؛ حتی بعضی هایشان گریه می‌کردند و حرف می‌زدند و در تمام این مدت من احساس خیلی خوبی داشتم.» این بازیگر نوجوان در آنها و با تشریح احساساتی که در زمان تولید فیلم در آن با آن تجربه کرده است، توضیح داد: بازی در فیلم خورشید تجربه خیلی خوبی بود؛ امروز احساس خیلی خوبی دارم به‌خصوص به این دلیل که فیلمان موفق شد که در جشنواره جایزه بگیرد. «تجربهٔ جلوسری دورین بازی کردن برام سخت نبود البته قبل‌اگر می‌کردم وقتی فیلم را میبینی، هر تصویر به خاطر دورین‌های متعددی است که در آن صحنه هست اما وقتی خودمان بازی کردیم فهمیدم که فقط یک دورین هست و همان یک دورین آن صحنه‌ها را از زاویه‌های مختلفی می‌گیرد.»

شمیلا در انتها و در پاسخ به شناختش از آثار مجیدی گفت: پیش از بازی در این فیلم، خیلی فیلم می‌دیدم یعنی هر چیزی که تلویزیون پخش می‌کرد را می‌دیدم و از فیلم‌های آقای مجیدی باران و بچه‌های آسمان را دیده بودم.

لی می‌خواست نسخه‌ای از چهره این شخصیت تهیه کند، به دلیل ایراد پریتر، این شخصیت به صورت تصادفی به رنگ سبز چاپ شد و استن لی از این ترکیب بسیار خوش آمد.

**دیپول**

در این فیلم شاهد بودیم که در تاکسی جامی گذار اما این اتفاق بسی دلیل نبود. در آخرین روزهای کسه این فیلم قرار بود سه مرحله تولید برسد، بودجه فیلم ۷ میلیون دلار از سنوسی کمپانی کم شد و به همین خاطر شخصیت اصلی باید کیف اسلحه را جا می‌گذاشت تا سکانس‌های اکشن به مراتب ارزان‌تر رقم بخورند.



شلیک بیش از ده هزار گلوله در سریال؛

## چرا بازیگران ایلدا با گویش محلی صحبت نمی‌کنند؟

نمی‌کنند توضیح داد: سریالی برای کل کشور ساخته می‌شود، اگر قرار بود به زبان محلی صحبت کنند، اول اینکه ما به این تعداد بازیگر آشنا به زبان لری نداریم و از طرفی زبان سریال باید برای مخاطب در نقاط مختلف کشور قابل فهم باشد. اگر به زبان محلی صحبت می‌کردند، باید متن زیرنویس هم اضافه می‌کردیم. سیدط احمدی درباره مردم خرم آباد گفت: بردهام خرم آباد شریف، مهمان نواز و همراه هستند و به خوبی با ما همراهی کردند. برخورد آن‌ها با گروه ما بسیار خوب است. حتی بعد از پخش سریال هم با استقبال خوبی از طرف مردم خرم آباد مواجه شدیم.

این تهیه‌کننده درخصوص شیوع کرونا بیان کرد: کرونا در زندگی مردم، اقدام، فرهنگ، رفت و آمد، سفرهای متعدد، تأثیر گذاشته است و ما وقتی در یک جمع ۲۰۰ نفره هستیم می‌گردیم این موضوع نگران کننده بود. بنابراین تلاش کردیم تا با رعایت توصیه‌های بهداشتی از آسیب کرونا در امان باشیم.

را با همکاری راما فویدل کارگردان جدید آغاز کردیم.

تهران و نزدیک به ۱۰۰ بازیگر از منطقه اردبیشته سال گذشته برای انتخاب لوکیشن‌های سریال به مناطق غربی سفر کردیم و چند استان بررسی شد تا اینکه لوکیشن‌هایی در منطقه خرم آباد لرستان انتخاب کردیم که کوه، طبیعت بکر، دست‌های پنهانور و گندم‌زارهای زیبا داشت.

وی افزود: از همان روزها آماده سازی دکور، انتخاب بازیگران و عوامل را آغاز کردیم. اواخر مرداد سال ۹۸ تولید شروع شد اما با شیوع کرونا متاسفانه از اسفند ماه کار با مشکلاتی مواجه و چند ماه متوقف شد. تا اینکه دوباره از تیرماه کار را ادامه دادیم و توانستیم اول مهر ماه پروژه را به اتمام برسانیم.

این تهیه‌کننده عنوان کرد: قصه سریال ایلدا در منطقه مرزی می‌گذرد، اما با توجه به اینکه هر سریال به دنبال جذابیت‌های بصری است، منطقه خرم آباد را برای تصویربرداری انتخاب



آغاز کردیم.

وی ادامه داد: به دستور آقای کریمی، محمدرضا آهنج به سریال برادر جان پیوست و با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای ما با چند ماه تأخیر پیش تولید



**گروه سینما و تلویزیون**– سبط احمدی گفت: منطقه خرم آباد به دلیل دارا بودن کوه، طبیعت بکر، دشت‌های پنهانور و گندم‌زارهای زیسا به عنوان لوکیشن سریال «ایلدا» انتخاب شد.

# پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

**گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش**

# اقتصاد کیش